

دولت آقای  
رئیزی از بیرون  
اینطور است که  
انگار رقابتی نبود  
و پشتیبان مردمی  
ندارد ولی بهترین  
سیاست‌ها را  
پیش می‌برد  
و بیشترین  
تخریب‌ها را از  
جناح حامیان  
خودش دارد. یک  
روزی می‌آیند ارز  
۴۲۰۰ را برمی‌دارد  
و ارز ۲۸۵۰۰ را  
می‌آورد. این  
رفتار سینوسی  
ادامه پیدا خواهد  
کرد. به مجلس  
تا حدی می‌توان  
امیدوار بود تا  
سیاست‌های  
کمی پایدارتر  
صورت بگیرد  
اما تا آخر دولت  
وضعیت همین  
است چون  
پایگاه اجتماعی  
گسترده ندارد



است که حکومت به همان‌ها هم بدبین است. یعنی هر جا که  
تشکل یابی توسعه پیدا می‌کند، حکومت وارد می‌شود. این  
هراس به نظرم فردی هم نیست که به شخص اول مملکت  
برگردد. به نظر من کاملاً از دل ساختار دیوان سالاری می‌آید و  
به همین دلیل هم باز تولید می‌شود. از افرادی که در جایگاه‌ها  
هستند نمی‌آید و از دل ساختار است که این هراس شکل و  
اوج می‌گیرد. در واقع من معتقدم که این مسأله از دل ساختار  
دولت-ملت ایران است که اگر بخواهیم جدی‌تر بررسی کنیم  
از دوره پهلوی اول شکل گرفته است.

آیا حکومت می‌تواند مثلاً تصمیم بگیرد که از فردا گاردش  
را باز کند و بدبین نباشد؟ نه به این راحتی نیست. اگر به این  
راحتی بود که حتماً انقلاب اسلامی با آن حد از آرمان‌ها و  
بسیج اجتماعی از پس این مشکل تاریخی برمی‌آمد. چون  
سرمایه اجتماعی وسیعی هم داشت که می‌توانست به  
این شکل تصمیم‌گیری کند و مسأله را حل کند اگر مسأله با  
عزم و اراده قابل حل بود اما این‌گونه نیست، به هر حال اما  
راهبرد اصلی و کلی تأمل در باب فعال کردن پتانسیل‌های  
تشکل‌یافتگی در جامعه است. اگر این کار را نکنیم این مسأله  
بی‌اعتمادی حل نمی‌شود و با مردم گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد.  
یعنی این ملت و دولت از هم بی‌اطلاع و لاجرم بی‌اعتماد  
می‌مانند. تلویزیون و نهادهای فرهنگی هم برای خودشان،  
بی‌اطلاع هستند و گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد.

**ناظر به همین موضوع، الان اگر بگوییم دولت  
نورم را مهار کرد و مشکلات اقتصادی کاهش  
پیدا کرد، اعتماد اجتماعی شکل نمی‌گیرد.  
در این وضعیت احساس مشارکت مردم را  
چطور دولت باید ایجاد کند؟ اصلاً دولت**

**باید ایجاد بکند؟ مردم چطور خودشان را  
شریک بدانند؟ ما اصلاً سرمایه اجتماعی را  
این‌می‌دانیم که مردم به صورت داوطلبانه،  
در اصلاح مشارکت می‌کنند. حالا به دست  
مردم چه کاری می‌توان کرد که احساس  
دیده شدن داشته باشند؟ مثلاً ما به زودی  
انتخاباتی در پیش داریم، پیش‌بینی می‌شود  
که مشارکت اتفاق نمی‌افتد چون اعتمادی  
وجود ندارد. برای این چه می‌توان کرد؟  
اصلاً چقدر بحث اقتصادی در این ماجرا  
دخیل است؟**

• **آروین:** به نظر می‌رسد اعتماد نهادی در سال‌های پس از  
انقلاب حالت سینوسی داشته یعنی مرتباً اوج گرفته و نزول  
کرده و اتفاقاً وقتی نزول کرده در مرتبه پایین‌تری از قبل قرار  
گرفته است، اما اینطور نبوده که همواره در جهت نزول بوده  
باشد سینوسی بوده اما کلیت شیب به سمت نزول بوده  
است. میزان مشارکت در انتخابات شاخصی برای این افزایش  
و کاهش اعتماد نهادی است. مشارکت بالای هفتاد درصد  
یعنی مردم تا حدی اعتماد و امید به تغییر دارند. مشارکت در  
انتخابات رادست کم‌نگیریم. شاید براساس تجربه کشورهای  
غربی فکر کنیم مشارکت بالا اهمیت چندانی ندارد چرا که  
مشارکت در آن‌جا معمولاً حدود ۴۰-۵۰ درصد است و بعضاً  
کم‌تر هم می‌شود. اما در ایران وضعیت متفاوت است، شما  
پيامد مشارکت پایین انتخابات سال ۱۴۰۰ را در وقایع سال  
۱۴۰۱ نگاه کنید مشخص می‌شود که مشارکت در انتخابات در  
ایران اصلاً شوخی بردار نیست. چون همین دولتی که از پس  
مشارکت پایین به قدرت می‌رسد، اعتماد به نفس کافی برای  
انجام اقدامات و تغییرات ندارد.